

آفرینش

پدیده‌های طبیعی

خلق السموات بغیر عمد ترونها والقی فی الأرض
رواسی ان تمید بکم وبت فیها من کل دابة وانزلنا
من السماء ماء فانبتنا فیها من کل زوج کریم^۱.

خداوند آسمان‌ها را به دون اتکا به ستونی مرئی آفرید و در زمین کوههای ثابت و استوار قرار داد تا شمارا آرام نگه دارد، و (خدا) از هر نوع جنبنده‌ای در روی زمین پراکنده و منتشر ساخت. و ما فرو فرستادیم از آسمان آبی، پس گیاهان گوناگون و پرفایده در زمین رو یابیدیم.

در نه آیه گذشته این سوره (لقمان) درباره مسائل اصلی و فرعی و معارف اسلامی بحث شده بود و این آیه که دهمین آیه از این سوره است راجع به منظومه شمسی، کرات و اجسام آسمانی و نیز درباره بعضی از پدیده‌های طبیعی مانند باران، گیاهان و کوه‌ها صحبت شده است.

چنانچه قبلاً اشاره شد، قرآن کتابی است دینی که شامل ابعاد سه گانه اعتقادی، اخلاقی، و عملی است ولی در ضمن طرح آنها، مسائل دیگری را به منظور استدلال و توجه بشر به جهان هستی و غیره که کلاً در جهت توضیح و تأیید همان ابعاد است، مطرح ساخته که از آن جمله همین آیه دهم از سوره لقمان می باشد.

«خلق السموات بغیر عمد ترونها»

ستون نامرئی آسمانها

آسمانها را بدون ستونی که ببینید آفرید «سما» از ریشه و ماده «سمو» گرفته شده که به معنای بلندی است و جمع آن «سماوات» می باشد.

بنابر این آسمان به تمام اجسام و کراتی که در جو زمین در بالای سر ما قرار گرفته است گفته می شود. البته برای آسمان معنایی دیگری نیز گفته شده که در اینجا مجال ذکر آنها نیست این اجرام فضائی شامل تمام کرات ثابت و سیار جو زمین می شود که منظومه شمسی یکی از آنها است. اگر شما در شب مهتابی که آسمان صاف و آبی و خالی از هرگونه ابر و غبار است به آن بالا نگاه کنید، فضائی آکنده از اجسام نورانی می بینید که چندین برابر آن با چشم غیر مسلح و عادی شما دیده نمی شوند و بسیاری دیگر نیز حتی از دید قوی ترین تلسکوپ های جهان پوشیده است ولی آیا هیچ از خود پرسیده اید که چگونه در این مسیر پرتراфик فضائی، برخورد و تصادمی میان این کرات پیش نمی آید، و طی میلیونها سال هر یک در مداری مشخص و طبق نظم و قانونمندی خاص در آن فضای بی گران در گردشند و تا آنگاه که خواست الهی باشد، بهمین وضعیت باقی خواهند بود.

این درست همان مسأله‌ای است که قرآن روی آن انگشت گذاشته و به این صورت بیان نموده است. «خلق السموات بغیر عمد ترونها»

ستون نامرئی آسمانها چیست؟ بشر از هزار و چهارصد سال قبل این آیه را می خواند و نمی دانست که منظور از این ستون

نامرئی چیست و به احتمال درباره آن، چیزهایی می گفت ولی وقتی قوه جاذبه کشف شد و پرده از روی این پدیده عجیب خلقت برداشته شد، به معنی این آیه پی برد که منظور از این ستون نامرئی همان قوه جاذبه است. بدین ترتیب در می یابیم که چگونه این ستون نامرئی هریک از این اجرام عظیم و نورانی را در مدار و فاصله معینی از ستاره دیگر طی می یابد و نگاه داشته و در مسیر مداوم خویش برخورد و تصادمی پیش نمی آید. ولی این وضع تا کی ادامه خواهد یافت؟

قرآن کریم، در سوره انفطار فروریختن ستارگان و بهم ریختن این نظم دقیق را از علائم و نشانه های روشن قیامت معرفی می کند.

«إِذَا السَّمَاءُ انفطرت وَاذَا الْكَوَاكِبُ انتشرت...» هنگامی که آسمان شکافته گردد و هنگامی که ستارگان فروریزند.

بنابراین تا روزی که قیامت فرا نرسد این نیروی جاذبه، ضامن این نظم دقیق و شگفت انگیز خواهد بود.

اشیاء نگهدارنده زمین

«والقی فی الارض رواسی ان تمید بکم»

إلقاء به معنی افکندن و نهادن است «رواسی» جمع راسی و به معنی چیز مستحکم و پابرجا است. بنابراین معنی آن چنین می شود که: خداوند در زمین، اشیاء واجسامی محکم و استوار قرارداد. آیا این اجسام، درختان نیرومندی مانند چنارند که با ریشه هائی که در اعماق زمین دارند، محکم و پابرجا هستند یا تل های خاک و شن یا چیزهای دیگرند؟ جمله «ان تمید بکم» این مسأله را روشن می کند. ما این رواسی را در زمین قرار دادیم تا از اضطراب و لرزش زمین در امان باشید.

در گذشته برای دانشمندان روشن نبود که چگونه کوهها مانع زمین لرزه مداوم و شدید زمین اند ولی بعدها طی تحقیقات و مطالعات زمین شناسی دریافتند که اگر وجود همین کوههای سر

به فلک کشیده که تا اعماق کره زمین فرو رفته اند نبود در هیچ جای زمین نقطه امنی برای زندگی موجودات و پیدایش تمدن و آبادانی، یافت نمی شد زیرا زمین لرزه های و برانگر اجازه حیات به هیچ موجودی نمی داد.

اینجا است که عظمت این کتاب آسمانی روشن می شود و برای کسی که بی غرضانه قضاوت کند جای تردیدی باقی نخواهد ماند که این کتاب از جانب خدا است، زیرا آورنده آن در محیط و زمانی می زیسته که خبری از این کشفیات مهم علمی نبوده و قرنها بعد بشر به آنجا رسیده که قرآن در آن روز از آن خبر داده است و چه بسا حقایق مهم علمی که امروزه در قرآن وجود دارد ولی هنوز توفیق کشف آن برای دانشمندان پیدا نشده و در آینده به آنها خواهد رسید. اینجا است که انسان بیاد سخن عمیق علی «ع» در باره قرآن می افتد که فرموده:

«وان القرآن ظاهره انبىق و باطنه عمیق، لا تغنی عجاظه ولا تنفضی غرابه ولا تكشف الظلمات الا به»^۲.

همانا قرآن دارای ظاهری زیبا و شگفت انگیز و باطنی پرمعنا و عمیق است به گونه ای که معانی اعجاب انگیز و ناآشنای آن برای افکار بشر پیوسته بی پایان و نقاط تاریک و مبهم علمی جز بوسیله آن روشن و مشخص نمی گردد.

یک زمین و چند آسمان

نکته دیگری که در این آیه است این است که «سماوات» بر خلاف «ارض» به صورت جمع آمده و در اکثر آیات نیز بهمین صورت استعمال شده است، به دلیل اینکه جز همین کره زمینی که سیاره ما به حساب می آید، زمینی دیگر وجود ندارد ولی میلیاردها کره و اجسام آسمانی در عالم وجود دارند که به هر یک از آنها چنانچه گفتیم «سما» گفته می شود. زمین نیز دارای طبقاتی است که طبقه بالا همین پوسته و قشر زمین است که ما می بینیم، در طبقه بعدی آب قرار دارد و همین طور هر طبقه

آفرینش پدیده‌های طبیعی

دارای ویژگی خاصی است تا می‌رسد به طبقه‌ای که هست و جو زمین است و همه چیز در آنجا از گرمی بصورت گاز و بخار است. ولی با اینهمه مجموعه این طبقات همین کره ارض را تشکیل می‌دهند و از اینرو ارض به صیغه مفرد و سموات بصورت جمع در آیات آمده است.

خداوند در سوره طلاق می‌فرماید: «اللّٰه الذی خلق سبع سموات ومن الارض مثلهن»^۱.

آن خدائی که آسمانهای هفتگانه را بیافرید و مانند آن آسمانها از (هفت طبقه) زمین خلق نمود. ممکن است در ابتداء چنین به نظر رسد که منظور از «مثلهن» این است که در جهان هستی زمین واحدی وجود ندارد، بلکه چنانچه آسمان متعدد است، زمین نیز متعدد می‌باشد، ولی چنین نیست، زیرا کلمه «مثلهن» اشاره به طبقات متعدد زمین است نه به خود زمین و معنای آیه چنین است که طبقات زمین مانند خود آسمانها متعدد است.

بعضی از دانشمندان، آسمان را عبارت از چیزی دیگر دانسته‌اند و ظاهر پاره‌ای از آیات و روایات نیز آن را تأیید می‌نماید. آنها آسمانها را به آسمانهای هفت گانه تقسیم کرده‌اند و گفته‌اند که هر آسمان عبارت از جسم شفافی است که مجموعه‌ای از ستارگان ثابت و سیار در درون آن جای دارند ولی روشن نیست که آن جسم شفاف از چه ماده‌ای بوجود آمده است. مثلاً تمام کواکب و ستارگانی که در شب با چشم ما دیده می‌شوند در آسمان اول قرار گرفته‌اند و در چند جای قرآن که سخن از تریز آسمان دنیا بوسیله ستارگان به میان آمده است این معنا را تأیید می‌کند.

در سوره صافات آمده است «انا زینا السماء الدنيا بزينة الكواكب»^۲ و در سوره فصلت می‌خوانیم «وزینا السماء الدنيا بمصابیح...»^۳ و در سوره ملک ذکر شده است «ولقد زینا السماء الدنيا بمصابیح...»^۴ ما آسمان دنیا را به ستارگان، به چراغها آراستیم.

همینطور آسمان دوم و سوم و چهارم تا آسمان هفتم هر کدام مجموعه‌ای از کواکب را در بر گرفته‌اند.

«وبتّ فیها من کل دابة».

«بتّ» به معنی منتشر کردن و پراکندن است، خداوند انواع مختلف حیوانات و جنبندگان را که شاید به میلیونها نوع برسد در نقاط مختلف زمین منتشر ساخت است، دریا نیز جزئی از زمین است که انواع گوناگونی از موجودات آب‌زی در آن زندگی نموده و پراکنده‌اند. البته از بعضی از آیات چنین استفاده می‌شود که این مسأله اختصاص به کره زمین ندارد، بلکه در کرات آسمانی نیز موجودات زنده پیدا می‌شود «ومن آیاته خلق السموات والارض وما بتّ فیها من دابة»^۵ از آیات خداوند، آفرینش آسمانها و زمین و جنبندگانی است که در آنها (آسمانها و زمین) پراکنده ساخته است. بنابراین در غیر از زمین نیز جنبندگان وجود دارند، اما خصوصیات آنها چگونه است برای ما روشن نمی‌باشد.

اسلام از آنجا که دینی جامع الأطراف و فراگیر است راجع به تمام جنبندگان زمینی، چه آنها که در دریا زندگی می‌کنند و چه آنها که در روی زمین (پرنده و غیر پرنده) حکم دارد، و برای تشخیص انواع حلال از حرام آن و طریقه ذبح و ترکیه آنها احکام و دستوراتی دارد و لذا فقهاء برای آنها فصلی جداگانه گشوده و کتابهایی مفصل در این زمینه نوشته‌اند که اگر مجموعه آنها را در یک جا جمع کنند کتابخانه‌ای بزرگ به وجود خواهد آورد.

ریزش آب از آسمان

«وانزل من السماء ماء».

در قسمتهای قبلی آیه، سه مسأله زیر بیان شد:

- ۱- آفرینش زمین.
 - ۲- قراردادن کوهها در زمین به منظور پیش‌گیری از زمین لرزه‌های شدید و مداوم و امکان زندگی انسانها در آن.
 - ۳- پراکنده ساختن جنبندگان مختلف در روی زمین.
- ولی آیا زمین با این سه خصوصیت برای زندگی انسان مساعد و مناسب است و نیاز به چیز دیگر ندارد؟

در قسمت چهارم می بینیم راجع به باران، سخن گفته است، و طبیعی است که آب نه تنها برای انسان بلکه برای تمام جنبندگان و نباتات نقش حیاتی دارد و از اینرو خداوند پس از بیان آن سه، مسأله نزول آب را از آسمان مطرح می نماید و می فرماید: ما از آسمان آب را نازل کردیم.

دنیای علتها

لازم است در اینجا این مطلب را تذکردهیم که چرا خداوند همه چیز و از آن جمله نزول باران را به خود نسبت می دهد، در صورتی که می دانیم باران قطرات آبی است که بواسطه تابش آفتاب بر آبهای روی زمین و دریاها تبخیر، و بخارها به بالا متصاعد می شود و به صورت ابر در آسمان ظاهر می گردد و از آنجا در اثر تغییرات جوی، بصورت برف یا باران به زمین نازل می شود. پس علل و اسباب نزول باران همین علل طبیعی است، ولی خداوند می فرماید: «وانزلنا من السماء ماء» ما از آسمان آب را نازل کردیم.

از امام صادق روایتی وارد شده است که این مسأله را به خوبی توضیح داده و روشن می سازد. «قال ابو عبد الله عليه السلام: ابي الله ان يجري الأمور الا بالاسباب، فجعل لكل شئ سبباً...»^۱

خداوند هر گز پدیده ای را جز از طریق علل و عوامل عادی آن بوجود نمی آورد از اینرو برای هر پدیده ای علتی قرار داده است با توجه به این روایت جواب این سؤال برای ما روشن می شود که چرا خداوند در قرآن کریم امثال این مسائل را که بواسطه علل و اسباب مخصوص به خود، به وجود می آید به خویش نسبت می دهد.

بنابراین، گرچه هیچ معلولی بدون علت نیست، و جهان جهان سبب است ولی تمام رویدادها و حوادث زندگی تحت مشیت خداوند و به اراده او انجام می پذیرد و در یک سخن خداوند پدید آورنده و خالق تمام علتها و معلولها است و اینکه هیچ معلولی نیست مگر اینکه علتی داشته باشد، این مزیت و

خاصیت را خداوند قرار داده است. پس تا اذن خداوند نباشد و مشیت حق تعالی تعلق نگیرد. بخارها به صورت ابر در نمی آید و اگر هم درآمد در آنجائی که خداوند اراده کرده است می بارد و اصلاً تمام علل و عوامل طبیعی در ایجاد آب و باران آسمانی را خداوند فراهم می آورد.

خداوند است که به آفتاب دستور می دهد که به زمینهای نمناک و بر دریاها بتابد تا در اثر حرارت آفتاب بخار بالا رود و ابر گردد و در سطح های بالا وقتی که هوا سرد باشد بصورت قطره های باران بر زمین بیارد و اگر سرمای هوا زیاد باشد، طبیعی است که قطره ها به صورت برف خواهند شد و بر زمین نازل می شوند و اگر همراه با سرما، جریان باد شدید نیز وجود داشته باشد به صورت تگرگ در خواهند آمد ولی تمام این عوامل طبیعی به دستور خداوند و به اذن و مشیت او پدید می آیند.

«فأثبتنا فيها من كل زوج كريم».

و در روی زمین گیاهان گوناگون و پرفایده رو یانیدیم.

در این زمین از هر گیاه و درختی به صورت جفت یعنی نرو ماده آفریدیم و تمام این گیاهان دارای منفعت و خواص زیادی برای انسان است. از این آیه نیز استفاده می شود که ازدواج و تولید و تلقیح نه تنها در انسان و حیوان است بلکه در تمام موجودات وجود دارد و به طور کلی مسأله جفت بودن و تلقیح که بیشتر بوسیله باد انجام می پذیرد در تمام نباتات و گیاهان هست که با بررسی گلها به خوبی روشن می شود.

ادامه دارد

۱ - سوره لقمان آیه ۱۰.

۲ - سوره انفطار آیه ۲-۱.

۳ - نهج البلاغه صبحی الصالح - ص ۶۱.

۴ - طلاق آیه ۱۲.

۵ - سوره صافات آیه ۶.

۶ - سوره فصلت آیه ۱۲.

۷ - سوره ملک آیه ۵.

۸ - سوره شوری آیه ۲۹.

۹ - بهار جلد دوم صفحه ۹۰.